

## آینده‌پژوهی؛ ضرورت آینده مطالعات فرهنگی و علمی

محسن منطقی\*

### چکیده

سرعت و دگرگونی‌ها در پدیده‌های علمی، اجتماعی و فرهنگی به گونه‌ای است که سازمان‌ها را با مشکل جدید روبه‌رو کرده است. مدیران سازمان‌ها، در گذشته با برنامه‌ریزی سنتی و برنامه‌ریزی راهبردی، می‌کوشیدند دگرگونی‌ها را به نفع سازمان مهار کنند؛ اما اکنون محیط پرتلاطم و نامطمئن، ناکامی برنامه‌ها را رقم می‌زند. یکی از دانش‌های جدید، و مفید برای هدایت سازمان‌ها، «آینده‌پژوهی» است. در آینده‌پژوهی، مدیران اندیشور با تحلیل رویدادها و به کارگیری خلاقیت و نبوغ، از آینده آگاهی می‌یابند. این آگاهی به صورت آینده‌محتمل، آینده‌ممکن، و آینده‌مطلوب می‌تواند دریچه‌ای از آینده، پیش‌روی مدیران بگشاید تا آنان با شکل‌دادن سناریوها و طرح‌های متعدد، حرکت سازمان را بهتر مدیریت کنند.

این مقاله، با رویکرد تحلیلی - توصیفی به تبیین مفاهیم اولیه آینده‌پژوهی، مراحل رشد این دانش، و تمایز آن از مفاهیم مشابه پرداخته است.

کلید واژه‌ها: آینده‌پژوهی، آینده‌نگری، برنامه‌ریزی، سناریو.

---

\* دانش‌آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی\*

## مقدمه

هنگامی که واژه «آینده پژوهی»<sup>۱</sup> مطرح می‌شود، افراد با تجزیه آن، به درک معنای آن می‌پردازند و بر اساس برداشت ذهنی خود از این عبارت، درباره آینده، در موضوع مورد مطالعه قضاوت می‌کنند. آینده پژوهی که یکی از اصطلاحات نو پیداست، کم‌کم در رشته‌ها و دانش‌های مختلف در حال جا باز کردن و عادی شدن است.

هنگامی که فردی خواهان خرید منزل جدید است، پیش‌بینی می‌کند که آن خانه از نظر موقعیت و قیمت در آستانه چه تحولاتی خواهد بود. نیز دوست دارد بداند با همسایگان جدید چگونه می‌تواند زندگی کند و در دگرگونی‌های اقتصادی و حرفه‌ای محل سکونت جدید او چه تأثیری بر شغل و محل کسب درآمد وی دارد.

یک طلبه یا دانشجو هنگام تعیین رشته و گرایش، خواهان پیش‌بینی این موضوع است که رشته تحصیلی وی در آینده آیا می‌تواند خلأهای موجود را رفع کند. آیا می‌تواند بعد از تحصیل شغل مناسب بیابد و درآمد کسب کند؛ چنان‌که متصدیان یک مؤسسه آموزشی، هنگام توسعه بنای ساختمان دوست دارند پیش‌بینی کنند که یک فضای آموزشی در عصر جدید، به چه امکانات فیزیکی نیازمند است و سرعت تحول در شیوه‌ها و تکنیک‌های آموزشی، چه زیر ساخت‌هایی را ایجاب می‌نماید.

دولت‌ها نیز نیازمند پیش‌بینی‌اند. آنها در زمینه تصویب مقررات و ضوابط باید پیش‌بینی کنند که در محیط رقابتی و بسیار متغیر، چه تحولاتی در پیش رو دارند که متناسب با آن به تصویب مقررات و ضوابط بپردازند. در گذشته چیزی به نام «قانون مالکیت معنوی» وجود نداشت؛ اما امروزه یکی از ضروریات فضاها علمی است. آیا این قانون توان پاسخ‌گویی به نیاز مخترعان و محققان را دارد؟

چنان‌که ملاحظه می‌شود، سازماندهی امور جامعه نمی‌تواند از تفکر درباره آینده فارغ باشد. باید با تفکر در مورد آینده به کشف آن پردازیم، به گونه‌ای که بتوانیم آن را آن‌گونه که مایلیم بسازیم. امروزه «دانش» ابزار مهم قدرت به شمار می‌رود؛ چنان‌که دانشمندان نیز افسران بزرگ این عامل قدرت‌اند. آنان باید این توانایی را داشته باشند که با چشم تیزبین خود دور دست را ببینند و بتوانند حیطة و قلمرو حرکت دانش را شناسایی کنند.

## واژه‌شناسی آینده‌پژوهی

برای شناخت هرچه بیشتر مفهوم آینده‌پژوهی باید آن را از مفاهیم نزدیک به آن بازشناخت. بازشناسی آینده‌شناسی از آینده‌پژوهی می‌تواند در این زمینه مفید باشد.

**آینده‌شناسی:**<sup>۲</sup> به معنای پیش‌گویی و غیب‌گویی آمده است. در آینده‌شناسی درصدد شناخت آینده‌اند. این شناخت به کمک ابزارهای متفاوتی ممکن است صورت گیرد. گاهی ابزار وحی و الهام است، که پیش‌گویی‌های پیامبران و اوصیای الهی را شامل می‌شود، و گاهی از ابزار علوم فراطبیعی استفاده می‌شود، مانند علم اسطرلاب، کف‌بینی، و خواب‌نمایی که افرادی با استفاده از مهارت و ریاضت به آن دست می‌یابند. در این شیوه‌ها از روش‌های شهودی، بهره می‌برند.<sup>۳</sup>

**آینده‌پژوهی:**<sup>۴</sup> به «مطالعات آینده» معنی شده است. آینده‌پژوهی که اکنون یک رشته علمی شناخته می‌شود و در دنیا. مراکز علمی متعددی برای آن تأسیس شده است، می‌کوشد با استفاده از جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها و به کارگیری روش‌های علمی دریچه‌ای به سوی آینده بگشاید. بنابراین، آینده‌پژوه می‌کوشد با استفاده از روش‌های علمی، شهودی، و تجربی، رویدادهای آینده را شناسایی و کشف کند و سپس با استفاده از روش‌های علمی و متناسب با فرهنگ جامعه، در آفرینش آینده‌های مطلوب نقش بیافریند. تصویرهایی که آینده‌پژوهی در اختیار می‌گذارد در سه مقوله طبقه‌بندی می‌شوند:<sup>۵</sup> آینده‌های ممکن، آینده‌های محتمل و آینده مطلوب.<sup>۶</sup>

تفاوت عمده آینده‌پژوهی و آینده‌شناسی در نوع نگرش این دو به ساحت آینده است. آینده‌شناس با قاطعیت از آینده‌ای جزمی و تغییرناپذیر سخن می‌گوید، اما آینده‌پژوه با استناد به اطلاعات موجود، از چند آینده قطعی، محتمل و ممکن سخن می‌گوید.

بنابراین، آینده‌نگری<sup>۷</sup> با پیشگویی آینده و آینده‌شناسی تفاوت اساسی دارد. پیشگویی بر اساس باور عمومی، ناشی از بنیان دانشی و تجربی نیست. در حالی که آینده‌نگری با بهره‌گیری از مبانی علمی پذیرفته شده شیوه‌های بهینه‌دستیابی به واقعیت‌های تجربه‌پذیر در آینده را معرفی می‌کند.

همچنین مناسب است بدانیم که بین دو عبارت «آینده‌نگری» و «آینده‌نگاری»<sup>۸</sup> تفاوت وجود دارد. آینده‌نگری به این معناست که بتوانیم وضعیت آینده را پیش‌بینی کنیم و بدانیم

که در آینده چه اتفاقاتی رخ می‌دهد، اما «آینده‌نگاری» به این معناست که مشخص کنیم از نظر ما چه اتفاقاتی باید در آینده رخ دهد. ضرب‌المثل معروف فارسی که می‌گوید «دیگران کاشتن و ما خوردیم و ما بکاریم تا دیگران بخورند» از مصادیق آینده‌نگاری است.

### پیشینه تاریخی آینده‌پژوهی

مطالعات تاریخی و تحلیل حوادث پیش‌رو، سابقه ۲۵۰۰ ساله دارد. آن‌گونه که اسناد تاریخی نشان می‌دهد، این‌گونه مطالعات ابتدا در خاورمیانه و چین صورت گرفته است.<sup>۹</sup> البته تحلیل رویدادها برای کسب آمادگی، برای پذیرش فردا، در گذشته دور با مطالعات آینده‌پژوهی در این روزگار با تحولات عمیق و گسترده‌ای روبه‌رو بوده است. در گذشته به مدد علم نجوم و رابطه ستارگان و حرکت افلاک حوادث پیش‌رو را ترسیم می‌کردند؛ اما امروزه با تحلیل علمی اوضاع و حوادث، در صدد ساختن آینده به گونه‌ای مناسب‌اند.

بخشی از آثار فلاسفه و دانشمندان عهد باستان نیز گویای دغدغه درباره آینده است؛ از این‌رو، به طراحی الگوی «جامعه مطلوب آینده» می‌پرداختند. آنان بر اساس چارچوب فلسفی خویش و متأثر از اوضاع سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی زمان خود به طراحی «آرمان شهر» یا «مدینه فاضله» می‌پرداختند.

ادیان الهی نیز مخاطبان خود را به آینده توجه می‌دادند. نمونه‌های فراوانی از این دست در منابع دینی یافت می‌شود. خواب آشفته عزیز مصر نمونه‌ای از این دست است که همه دانشمندان زمان خود را فراخواند تا آن را تعبیر کنند. در نهایت با ترسیم آینده به وسیله حضرت یوسف - علی نبینا و آله و علیه السلام - سرنوشت مصریان به گونه‌ای مطلوب رقم خورد.<sup>۱۰</sup>

در اعصار مختلف تاریخ، مردان بزرگی بوده‌اند که با بهره‌مندی از علم الهی (وحی و الهام) یا ابزارهای معمولی توانایی ترسیم آینده را داشته‌اند. آینده‌نگری‌هایی که از نبی گرامی اسلام ﷺ<sup>۱۱</sup> و حضرت خضر علیه السلام<sup>۱۲</sup> و حضرت علی علیهم السلام<sup>۱۳</sup> و امثال ایشان نقل شده است، با استفاده از منبع علم الهی بوده است.

اما افراد عادی نیز بوده‌اند که با در اختیار داشتن دانش و قدرت تحلیل حوادث، آینده را پیش‌بینی می‌کرده‌اند. مورد توجه قرار گرفتن این پیش‌بینی‌ها می‌تواند امکانات جامعه را به سوی رسیدن به مطلوب گسیل دارد. راجر بیکن، از دانشمندان قرن دوازدهم، با اجرای

تحقیقاتی ادعا می‌کند رشد دانش بشری به گونه‌ای است که او را قادر می‌سازد به زودی همانند مرغان در آسمان پرواز کند و اقیانوس‌ها را درنوردند و انسان‌ها به زودی قادر خواهند بود از راه دور با یکدیگر مکالمه کنند و ...<sup>۱۴</sup>

امروزه نیز شخصیت برجسته و اثرگذار قرن حاضر، حضرت امام خمینی علیه السلام نیز با داشتن قدرت علمی و معنوی بالا، در نامه تاریخی خود به آقای گورباچف در سال ۱۳۶۷ چنین پیش‌بینی کردند: «از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جست‌وجو کرد». امام خمینی در همین نامه، ژرفترین تحلیل‌ها را از تحولات جاری شوروی ارائه و از آن به «صدای شکستن استخوان‌های کمونیسم» تعبیر کردند. این در حالی بود که اتحاد جماهیر شوروی یکی از دو ابر قدرت مسلط جهانی بود و برخی از سران کشورهای جهان، به اتکای حمایت شوروی به حیات سیاسی خود ادامه می‌دادند.

به هر حال، با ذکر این شواهد می‌توان دریافت توانایی شناسایی آینده برای انسان ممکن است. انسان‌های تیزبین، با استفاده از این موهبت الهی، می‌توانند تأثیرات شگرفی در تحولات اجتماعی داشته باشند؛ چنان‌که جوامع با پرورش چنین افرادی می‌توانند تحولات آینده را به نحو مطلوب رقم بزنند.

### رشد علمی مطالعات آینده‌پژوهی

حدس زدن و پیش‌گویی آینده امروزه به یک دانش تبدیل شده است؛<sup>۱۵</sup> دانشی که با استفاده از ابزارهای علمی و به کارگیری خلاقیت، می‌تواند فناوری‌های جدید را تولید کند، جامعه فرهنگی و علمی شایسته را خلق نماید، و آینده ایده‌آل را در پیش‌رو قرار دهد.

دانش آینده‌پژوهی یکی از ابزارهای مهم و اثرگذار در این عرصه است. اگر اندیشوران فرهنگی و علمی جامعه بتوانند آینده را پیش‌بینی نمایند، می‌توانند جامعه را از گزند حملات دشمن و ناتوی فرهنگی دور کنند؛ چنان‌که می‌توانند جامعه را بهبود بخشند و تعالی فرهنگی را برای جامعه به ارمغان بیاورند.

مطالعات آینده‌پژوهی به شکل علمی و پذیرفته شده در مجامع دانشگاهی، در دهه هفتاد میلادی در کشورهای غربی در کانون توجه قرار گرفت و حتی در سال ۱۹۶۶ نخستین انجمن جهانی آینده‌پژوهی تأسیس شد. این مطالعات کم‌کم به صورت یک رشته علمی، در مراکز آموزشی و پژوهشی پذیرش یافت.

از اوایل دهه هفتاد میلادی علم آینده‌پژوهی به عنوان ابزار سیاستگذاری به طور رسمی در چند کشور محدود به خصوص ژاپن به کار گرفته شد. ولی از اوایل دهه نود میلادی بود که به طور گسترده در کانون توجه بیشتر کشورها قرار گرفت. امروزه نیز با برنامه‌ریزی، در اکثر کشورهای پیشرفته سامان یافته است.<sup>۱۶</sup>

در ایران سابقه آینده‌پژوهی به برنامه‌های پنج ساله کشور بر می‌گردد و سند چشم‌انداز توسعه کشور در افق ۱۴۰۴ که دو دهه آینده را نشان می‌دهد، نخستین سند تفکر راهبردی و آینده‌نگارانه ایران است که بر اساس آن، محورهای توسعه کشور در بخش‌های مختلف طراحی و تدوین شده است.

دانش آینده‌پژوهی در ادامه سیر تکامل برنامه‌ریزی که از دهه چهل میلادی آغاز شده بود متولد گردید. مدیران در برنامه‌ریزی، با استفاده از اطلاعات موجود و تجزیه و تحلیل آنها، اهدافی را برای سازمان ترسیم می‌کردند و سپس راه دستیابی و ابزارهای رسیدن به اهداف را ارائه می‌کردند.

این شیوه حرکت برای سازمان‌ها، در محیط‌های پویا و نامطمئن مشکل جدیدی پدید آورد. محیط سازمان آن‌گونه که انتظار می‌رفت برای برنامه‌ها و حرکت سازمان مهیا نبود. اصولاً پویایی و دگرگونی لازمه محیط است. به همین دلیل محیط سازمان‌ها برای مدیران قابل مدیریت نبود. از این‌رو، مدیران سازمان‌ها با اقتباس از آموزه‌های نظامی در جنگ جهانی دوم، به خلق مدیریت راهبردی و برنامه‌ریزی راهبردی پرداختند تا بتوانند بر محیط و تغییرات محیطی فائق آیند.<sup>۱۷</sup>

اندیشه آینده‌پژوهی نیز به منظور تکمیل حلقه برنامه‌ریزی طرح شد. در این اندیشه و باور، برنامه‌ریزان خواهان طراحی آینده‌اند تا بتوانند اهداف سازمان را در محیط پیش‌بینی شده مدیریت کنند.<sup>۱۸</sup> هر اندازه اندیشه آینده‌گرا در ذهن برنامه‌ریزان پر و بال بیشتری بگیرد، گستره بیشتری از آسمان آینده را در خواهد نوردید و رویدادها و احتمال‌های پیش‌بینی نشده بیشتری را در قلمرو شناسایی خود در خواهد آورد؛ همانند عقابی که هر چه بیشتر به افق‌های دور دست پرواز کند، چشم‌انداز گسترده‌تری را از آنچه روی زمین وجود دارد، خواهد دید.

### تعریف آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهان از برنامه‌ریزان انتظار دارند به جای آنکه تنها به تغییرات حال یا گذشته توجه کنند، بر احتمالات آینده متمرکز شوند. آینده‌پژوهان برای مطالعه این احتمالات متغیرهای گوناگونی را در نظر می‌گیرند که می‌توانند بر آینده سازمان‌ها تأثیر داشته باشند. تغییرات احتمالی ممکن است از نوع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فناوری، جمعیتی، و یا زیست محیطی باشند. آینده‌پژوهان می‌توانند با استفاده از دانش خود نرم افزارهای پیشرفت جامعه را توسعه بدهند و با پیش‌بینی شرایط تحولی پیش‌رو، زمینه را برای بهبود ویژگی‌های فردی فراهم سازند.<sup>۱۹</sup>

آینده‌پژوهی ابزاری است برای حساس ساختن مدیران سازمان‌ها درباره موضوعات خارج از سازمان و در حال پیدایش، پیش از آنکه سازمان‌ها مغلوب آن حوادث شوند. در واقع این ابزار، مدیران سازمان‌ها را قادر می‌سازد که متناسب با نسل‌های متفاوت بشری، مسائل مشترک را شناسایی و برنامه‌سازمان و جامعه را برای رویارویی با آنها آماده کنند.<sup>۲۰</sup> آینده‌پژوهی دانشی عمل‌گراست؛ یعنی درصدد است که زمینه را برای رفتارهای آتی شناسایی کرده، راهکار ارائه دهد. از این‌رو، در میانه دهه نود میلادی، رویکرد انتقادی مطالعات آینده‌پژوهی (CFS)<sup>۲۱</sup> نضج گرفت. در این دوران مطالعات آینده‌پژوهی با سرعت به سمت نظریه‌پردازی‌های ذهنی و فارغ از دنیای عمل پیش می‌رفت. اما رویکرد انتقادی تحولی جدید در نظریه‌های آینده‌پژوهی را به دنبال داشت. این انتقاد گویای این بود که اقدامات و رفتارهای آینده‌پژوهی از مطالعات آینده‌پژوهی فاصله گرفته است. این موضوع باعث شد که دگرگونی اساسی در دانش آینده‌پژوهی رخ بدهد و این دانش به صحنه عمل بیشتر نزدیک گردد و از فضای کاملاً نظری فاصله بگیرد.<sup>۲۲</sup>

آینده‌پژوهی در عرصه‌های متعدد زندگی بشر اثرگذار خواهد بود. به بیان دیگر، آینده‌پژوهی بر لایه‌های مختلف زندگی بشر مانند فناوری، جمعیت، اقتصاد، سیاست، جامعه، فرهنگ، و زیست محیطی تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم می‌گذارد.

بنابراین، آینده‌پژوهی شیوه‌ای است که می‌تواند توانایی مدیران سازمان‌ها را در اثرگذاری بر آینده تخمین بزند؛ چنان‌که می‌تواند زمینه‌ای فراهم آورد که مدیران با پیش‌بینی وقایع، توانایی خود را در واکنش نشان دادن به فرصت‌های در حال پیدایش افزایش دهد.<sup>۲۳</sup>

آینده‌پژوهی انسان با سه پرسش اساسی روبه‌روست:

وقوع کدام آینده‌ها ممکن است؟

وقوع کدام آینده‌ها محتمل است؟

وقوع کدام آینده‌ها مطلوب است؟ (ناظمی، ۱۳۸۵)

به سخن دیگر، چنان‌که بیان شد، مطالعات آینده‌پژوهی به مثابه پیشگویی و غیب‌گویی نیست؛ بلکه نوعی راهنمایی است، یعنی همان‌گونه که در اصطلاح رایج بین طلاب حوزه‌های علمیه بیان می‌شود، «هر گاه مقتضی موجود و موانع مفقود باشد، تحقق شیء قطعی است». آینده‌پژوهی نیز درصدد شناسایی مقتضیات در پیش‌رو و شناسایی میزان قطعیت موانع است.

از این‌روست که می‌گوییم گاهی چیزی به سبب «مقتضی» به وجود می‌آید، ولی مقتضی وقتی عمل می‌کند که «شرایط موجود» و «موانع مفقود» باشد. در این صورت می‌توان گفت با آینده قطعی و ممکن روبه‌رو هستیم و پیش‌بینی انجام شده ممکن است.

هرگاه بیان شد که «مقتضی قطعی» است ولی «شرایط مشکوک یا موانع هم مشکوک» است قطعاً با آینده محتمل و پیش‌بینی احتمالی مواجهیم. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود هر یک از این احتمالات یک نوع راهنمایی است که سازمان را وادار می‌دارد متناسب با هر یک از احتمالات برنامه مجزایی را پیش‌بینی نماید تا راهنمای عمل باشد.

نامعین بودن شرایط و دگرگونی‌های مداوم محیط، آینده‌پژوهان را واداشته است که آینده‌های متعدد را در برنامه‌ریزی در مد نظر داشته باشند. بر این اساس، آینده‌پژوهان سه گام می‌پیمایند:

در گام اول هر آینده‌ای را که «ممکن» است در انتظار یک سازمان باشد شناسایی و فهرست می‌کنند.

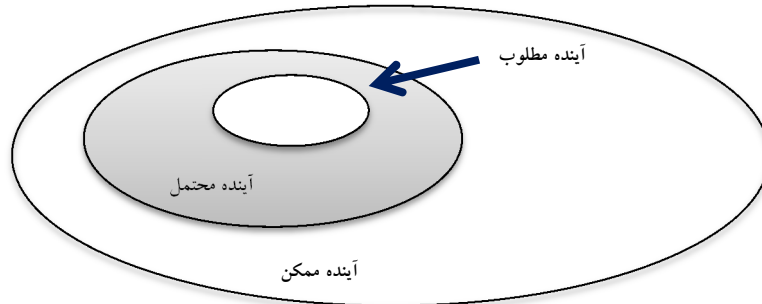
در گام دوم، از میان «آینده‌های ممکن»، «محتمل»ترین آنها را مشخص می‌نمایند.

در گام نهایی «مطلوب»ترین آینده را که با ارزش‌ها و آرمان‌ها سازگاری بیشتری دارد شناسایی می‌کنند.

سپس آینده مطلوب برای تصمیم‌گیری در اختیار مدیران ارشد سازمان قرار می‌گیرد تا برنامه‌ریزی‌ها برای تحقق آن صورت گیرد. بدین گونه، آینده ممکن، آینده محتمل، و آینده



مطلوب شکل می‌گیرد. رابطه این سه نوع آینده در شکل شماره یک نمایش داده شده است.



شکل شماره ۱. رابطه انواع آینده در آینده‌پژوهی

### ضرورت آینده‌پژوهی

تحول و تغییر، یکی از پدیده‌های عادی در جامعه شده است و روندی پیوسته و طولانی دارد. دگرگونی در همه زمینه‌ها، از گذشته تا حال و آینده امتداد داشته و خواهد داشت. آینده‌نگری در حقیقت پاسخی خردمندانه و حکیمانه به چالش‌های پدید آمده در پی دگرگونی‌هاست؛ چنان‌که تمایل به حس کنجکاوی و نگرانی انسان درباره سرنوشت خود در آینده، از مهم‌ترین دلایل ضرورت آینده‌پژوهی است.

هنگامی که فناوری ارتباطات به وجود آمد، چالشی عظیم در روند اجرای امور اداری پدید آورد. اینجا بود که نیاز به تعریف جدیدی از «سند اداری» به وجود آمد. تا پیش از این، سند اداری مندرج در کاغذ بود، اما شکل‌گیری اتوماسیون‌های اداری، سند دیجیتالی را به وجود آورد.

این تحولات و دگرگونی‌ها همچنان ادامه دارد؛ چنان‌که پیش‌بینی شده است که در سال ۲۰۵۰ نوشتار از دور خارج می‌شود. رشد جست‌وجوی اینترنتی، ویدئو اینترنتی، متن‌پردازی رایانه‌ای به کاهش چشم‌گیر جهانی سوادِ متنی خواهد انجامید. روند متروک شدن خواندن، فکر کردن و مهارت‌های پژوهشی مرسوم، می‌تواند در دهه آینده باعث گرایش بیشتر به سوی رسانه‌های دیداری شود. نسل جدید کارکنان، هم‌زمان با توسعه رسانه‌های تازه، به شکل روز افزونی به کنار گذاشتن فناوری‌های کهن‌تر اطلاعات مانند نوشتار، گرایش می‌یابند.

همه این وقایع چالش‌هایی را برای سازمان‌ها به دنبال خواهند داشت، چالش‌هایی که نشانه‌های پیدایش آنها در زمان حال مشهود است. چالش‌های پیش‌روی جامعه در محورهای متعددی قابل توجه است:<sup>۲۴</sup>

- چالش‌های اجتماعی (گسترش فقر نا امنی بی اعتبار شدن ارزش‌ها و سنت‌ها در نظام شهری و ...)

- چالش‌های فرهنگی (شکل‌گیری بنیان‌های جدید فرهنگی بر اساس اختلاط فرهنگ‌ها، دگرگونی در روابط خانوادگی، شکل‌گیری ارزش‌های اخلاقی نوین و...)

- چالش‌های سیاسی (گسترش گرایش‌های مذهبی، قومی، و ملیتی در بین جوامع و...)

- چالش‌های اقتصادی (ورشکستگی اقتصادهای بزرگ جهانی، افزایش درخواست انرژی، تنوع تولیدات، کاهش درآمد مردم و ...)

- چالش‌های علمی (رشد صنایع فکری، رشد نقش دانایی در ارزش‌افزایی سرمایه، غلبه نرم‌افزار بر سخت‌افزار در امور اجتماعی و...)

- چالش‌های نظامی (اختراعات نو در صنایع نظامی، پیچیده شدن شیوه‌های دفاعی، شکل‌گیری شیوه‌های جدید جنگ و دفاع و...).

چالش‌های پیش‌رو، همه عرصه‌های علوم را دچار دگرگونی خواهد کرد. بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی علیه السلام، به عنوان یک آینده‌نگر برجسته، چنین ضرورتی را برای حوزه‌های علمیه تشخیص داده و گوشزد نموده‌اند:

حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهبای عکس‌العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم، در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام، نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام از هم‌اکنون باید برای این موضوع فکری کنند.<sup>۲۵</sup>

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشوران حوزه علمیه این است که گرایش‌های علمی در علوم حوزوی باید به چه سمت و سویی حرکت کند. تحولاتی که در مسائل مختلف فرهنگی و علمی پدید می‌آید، نیازمند واکنش مناسب حوزه علمیه است. برای نمونه، ابداعات و اختراعات در سلول‌های بنیادی، که ممکن است به شکل‌گیری ژن‌های جدید بینجامد، چه مسائل فقهی یا کلامی را به دنبال خواهد داشت.

باید توجه داشت که در گذشته به دلیل محدودیت ارتباطات، برنامه‌ریزی سازمان‌ها، در سطح محلی صورت می‌گرفت؛ اما با توسعه امکانات ارتباطی و سست شدن مرزهای سازمانی، برنامه‌ریزی در سطح جهانی شکل گرفت، یعنی توسعه فیزیکی و مکانی در برنامه‌ریزی‌ها صورت پذیرفت.

همان‌گونه که از نظر فیزیکی و مکانی مطالعات توسعه یافت و مرزهای جدیدی را گشود، امروزه این مرزها از نظر زمانی نیز باید توسعه یابد؛ یعنی برنامه‌ها نباید به بستر زمان حال محدود شود؛ بلکه باید گذشته، حال، و آینده به عنوان یک واقعیت دیده شود تا بتوان برنامه‌ریزی جامع طراحی نمود. این توسعه زمانی برنامه‌ریزی را، آینده‌پژوهی می‌نامند. آینده‌پژوهان با ارائه طرح‌ها و سناریوهای متعدد زمان را درمی‌نوردند.

### برنامه‌ریزی و آینده‌پژوهی

یکی از الزامات سازمان‌ها، برخورداری از برنامه است. برنامه‌ریزان، در سازمان‌ها با مطالعات گسترده در سطوح عالی و میانی برنامه‌ریزی‌های اساسی را برای سازمان انجام می‌دهند. اما نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که در برنامه‌ریزی، مدیران از زمان حال شروع و به سوی آینده حرکت می‌کنند. به عبارت دیگر، حرکت رو به بیرون است و می‌کوشند در شرایط مختلف کشف کنند که کدام آینده رخ می‌دهد.<sup>۲۶</sup> بنابراین، نقطه شروع این آینده غالباً در زمان حال است.

اما در آینده‌پژوهی برنامه‌ریزی روبه درون است، یعنی با انتخاب یک یا چند هدف یا موقعیت خاص در زمان آینده برنامه‌ریزی شروع می‌شود. پس از تعیین نقطه شروع در آینده، با رویکرد برنامه‌ریزی سنتی، از آینده به سوی امروز برنامه‌ریزی شروع می‌شود. از این‌روست که این رویکرد را «اکتشافی» می‌نامند؛ یعنی برنامه‌ریزان، ابتدا به افق آینده می‌روند و با حضور در افق آینده و دیدهبانی حال و گذشته مسیرهای مشخص را برای معماری توسعه از آینده به حال تعیین و مشخص می‌سازند.

در اینجا تذکر این نکته نیز لازم است که برنامه‌ریزی راهبردی<sup>۲۷</sup> با آینده‌پژوهی<sup>۲۸</sup> تفاوت تفاوت دارد. این دو، هر چند در سطوحی با یکدیگر همپوشانی دارند، اما نباید به جای یکدیگر به کار گرفته شود. تفاوت‌های اساسی بین این دو عبارت‌اند از:

در آینده پژوهی افزون بر شناسایی روندها و چالش‌های آینده، معمولاً سه حالت متفاوت برای آینده بلند مدت در نظر می‌گیرند (آینده ممکن، آینده محتمل، آینده مطلوب). حال آنکه در برنامه‌ریزی راهبردی به کمک دانش مدیریت و با استفاده از شیوه‌شناسایی محیطی، برای رسیدن به یک آینده (آینده مطلوب) برنامه‌ریزی می‌کنند.

آینده پژوه به برنامه‌ریزی کمک می‌کند، اما خود در مقام برنامه‌ریزی نیست. آینده پژوه، آینده را ترسیم می‌کند، در حالی که برنامه‌ریزان راهبردی با توجه به موقعیت، راه رسیدن به آن را طراحی می‌کنند.

در برنامه‌ریزی راهبردی با مطالعه نقاط قوت و ضعف درونی و عوامل تهدید و فرصت بیرونی، شرایط ثابت و پیش‌بینی شده‌ای را برای توانایی‌های سازمانی و دگرگونی‌های محیطی فرض می‌نمایند. اما در آینده پژوهی، با استفاده از اطلاعات موجود و قدرت خلاقیت، موقعیت آینده تصویر می‌شود، تا بر اساس آن، نوع حرکت و برنامه تدوین شود. به بیان دیگر، در آینده پژوهی شمایی از آینده را تصویر می‌کنند تا برنامه‌ریزان بتوانند راه رسیدن به آن را طراحی نمایند.

در آینده پژوهی به چند سناریو (طرح) دست می‌یابند و هر سناریو ممکن است نیازمند چند راهبرد باشد. پس، این دو با هم تعامل نزدیکی دارند. این موضوع در جدول ذیل نشان داده شده است.

سناریو «الف»	سناریو «ج»	سناریو «ب»	
			راهبرد نیروی انسانی
			راهبرد فرهنگی
			راهبرد منابع

### ماهیت آینده پژوهی

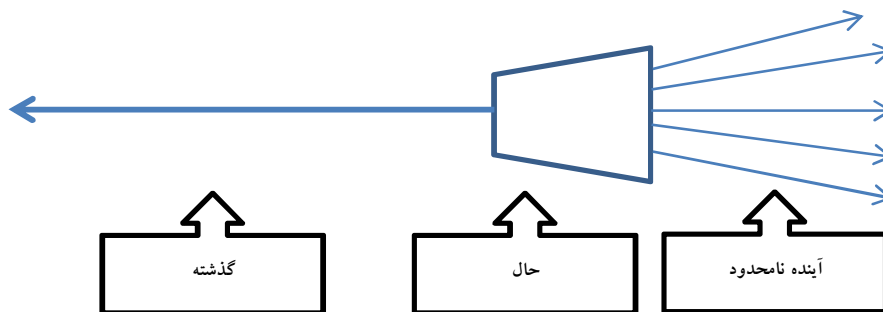
دانشمندان با تحلیل حوادث گذشته چارچوب‌ها و الگوهای برای آنها تهیه می‌کنند و بر اساس آن الگوها و چارچوب‌ها می‌توانند آینده را پیش‌بینی کنند. البته باید توجه داشت که تدوین الگوی گذشته ممکن است به سادگی صورت گیرد؛ اما این بدان معنا نیست که شناسایی آینده نیز به همین سادگی رخ دهد. این دو نوع تحلیل، با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند. مدیران گذشته‌ای را در اختیار دارند که حوادث آن اتفاق افتاده است. اکنون با تحلیل‌های گوناگون آن را ساختار می‌دهند؛ اما در مقابل، آینده به گونه‌ای است که باید

با طراحی ساختار مورد نظر و کشف آن، حوادث و رویدادها را در آن قرار داد و مطابق آن عمل کرد.

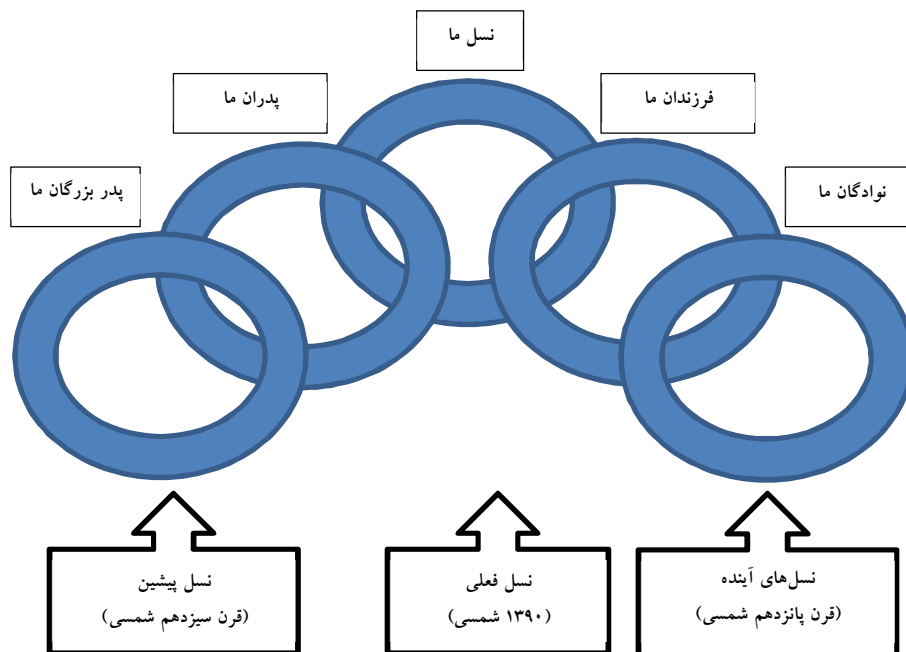
مطالعات گذشته و مطالعات آینده، شباهت‌هایی نیز با یکدیگر دارند. یکی از شباهت‌های این دو، اشتراک آنها در «نبود اطمینان» است. به عبارت دیگر همان‌طور که درباره عوامل مؤثر در رویدادهای آینده، نگرانی هست و اطمینان نیست، در مطالعات گذشته نیز نگرانی هست و اطمینان وجود ندارد؛ زیرا هنگامی که به بررسی تاریخی یک حادثه پرداخته می‌شود، عامل شکل‌گیری یک رویداد را پدیده «الف» می‌یابند. این در حالی است که این نیز، خود یک حدس است، که ممکن است صحیح نباشد. بنابراین، هم در آینده‌نگری و هم در تحلیل گذشته، با گام‌های تردید و حدس حرکت صورت می‌گیرد.

بنابراین، در مطالعات آینده، در صدد یافتن تصاویری از آینده در اختیار هستیم، تا در زمان حال، بر اساس این تصاویر بتوانیم به شکل کارآمدتری تصمیم‌گیری نماییم. (شکل شماره دو). این تصاویر در سه مقوله اساسی طبقه‌بندی می‌شوند که عبارت‌اند از: آینده ممکن، آینده محتمل، و آینده مطلوب. از این روست که دانش آینده‌پژوهی به طور مستقیم، در خدمت دانش مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی قرار می‌گیرد و می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری سازمان‌ها ایفا نماید.

محدوده و بازه زمانی در آینده‌پژوهی قابل توافق بین مدیران ارشد سازمان و آینده‌پژوهان است. گاهی این بازه زمانی ده، بیست، یا پنجاه سال است و گاهی کمتر یا بیشتر. اما به سبب هزینه‌بر بودن این گونه مطالعات آنها را به گونه‌ای در نظر می‌گیرند که نسل جدید را در بر بگیرد. (شکل شماره سه)



شکل شماره ۲- رابطه زمان‌ها با یکدیگر



شکل شماره ۳ - افق زمانی آینده‌پژوهی

### سناریو

آینده‌پژوهان با بررسی و تحلیل‌های گوناگون، آینده را پیش‌بینی می‌کنند. این پیش‌بینی‌ها به صورت «سناریو یا داستان» طرح می‌شود.<sup>۲۹</sup> در یک تعریف ساده می‌توان گفت سناریو یک داستان یا یک صحنه است. این صحنه یا داستان به توصیف یک وضعیت به شکل عمومی می‌پردازد که ممکن است در آینده رخ دهد.

باید توجه داشت سناریو پیش‌بینی نیست؛ بلکه روشی برای کنار هم قرار دادن و گردآوری ایده‌ها و احتمالات بسیار است به گونه‌ای که میان آنها رابطه‌ای منطقی و معنادار وجود داشته باشد. سناریو به مدیران امکان می‌دهد که درک بهتری از رویدادهای احتمالی و ناشناخته آینده داشته باشند. اگر مدیران برنامه و اندیشه خود را درباره آینده از میان پیچیدگی‌های موجود در یک سناریو عبور دهند، می‌توانند رویدادهای پیش‌بینی نشده را در ذهن خود ترسیم کنند و برای آنها تدبیر بیندیشند.<sup>۳۰</sup>

آینده‌پژوهان با گردآوری تمام روندهای محتمل و متفاوت و موضوع‌های مرتبط با آنها یک داستان می‌آفرینند. این داستان یا همان سناریو باید روایتی منطقی داشته باشد و محتمل

و باور کردنی به نظر برسد، نه اینکه صرفاً خیال پردازی باشد. هنگامی که آینده‌پژوه چند سناریو و داستان برای آینده بیان نماید که با یکدیگر بسیار متفاوت باشند، و خواننده پس از مطالعه، آنها را به محتمل و ممکن دسته‌بندی کند، توانسته است مرحله موفقیت‌آمیزی از تدوین سناریو را ببیماید. به بیان دقیق‌تر سناریونگاری فرآیندی است که در چند مرحله صورت می‌گیرد. ابتدا تصمیم‌های راهبردی و کلیدی بلند مدت یک سازمان، واقع‌بینانه شناسایی می‌شوند، سپس این پرسش طرح می‌شود که «چه عواملی می‌توانند در تصمیم‌های راهبردی و کلیدی تغییر ایجاد کنند؟». پس از جمع‌آوری فهرست گسترده‌ای از این عوامل، به این موضوع پرداخته می‌شود که کدام‌یک از این عوامل کلان یا خرد، سازگار و اجتناب‌ناپذیر و کدام‌یک غیر قطعی‌اند.<sup>۳۱</sup>

با آنکه سناریوها با یکدیگر متفاوت‌اند، ولی سه هدف اصلی را پی‌می‌گیرند:

- ترکیب اطلاعات نشان می‌دهد که چه چیزی برای سازمان مهم است و چه کارکردها و وظایفی در آینده مورد توجه سازمان است؛
  - توسعه مجموعه‌ای از توصیفات سازگار و باورکردنی درباره آینده ممکن یا سناریوها، و مجموعه‌ای از روش‌شناسی‌های ساختاریافته که کاملاً کاربردی‌اند؛
  - ارزیابی کاربردهای این سناریوها در حال حاضر برای سازمان.<sup>۳۲</sup>
- سناریونگاری در سازمان‌ها به عهده آینده‌پژوهان است. آینده‌پژوهان در سازمان‌ها افرادی کاردان، روشن ضمیر، و آگاه‌اند. اینان تعهد بنیادی و پایدار در برابر سازمان دارند. وظیفه آینده‌پژوهان آفرینش فضای فکری مناسب برای آینده‌نگری است. آنان باید بتوانند فضایی را ایجاد کنند که سناریوسازی در سازمان به سهولت و متکی بر فضای فکری سازمان شکل بگیرد. در زمینه نحوه تهیه و تدوین سناریو و اطلاعات مورد نیاز کتب و مقالات مناسبی تدوین شده است که باید در مقاله‌ای جداگانه به آن پرداخت.

### نتیجه‌گیری

در دنیای پر تلاطم امروز که با دگرگونی‌های متعدد در حوزه‌های مختلف، به ویژه در حوزه علمی و فرهنگی، مواجهیم مدیران ارشد مراکز و نهادهای علمی و فرهنگی باید با به کارگیری شیوه‌های مناسب، آینده را درنوردند و از هم اکنون زیر ساخت‌های لازم را برای

تحولات آینده مهیا سازند. خوشبختانه ظرفیت‌های فراوانی در جامعه اسلامی ایران برای این دگرگونی‌ها وجود دارد.

پیش از آنکه دیگران باورها و سنت‌های ارزشمند جامعه اسلامی ما را دگرگون کنند، فرهنگ غنی اسلامی باید با ارائه مستدل و هنرمندانه خود، دیگران را در معرض یک چالش عظیم قرار دهد. این امر با مساعدت متفکران جامعه اسلامی ما در حوزه و دانشگاه در مسیر تحقق قرار گرفته است. مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای به عنوان معمار بزرگ تمدن ایران اسلامی، در مورخ ۱۳۸۵/۸/۱۸ چنین فرمودند:

شما کاری کنید که در پنجاه سال آینده، نیاز به زبان فارسی شما باشد. این، یک آرزوست؛ یک قله است؛ مثل قلهی دماوند، مثل قلهی توچال، که نگاه کردن به آن، هیجان‌انگیز است؛ شوق رسیدن به آن، در دل همه به وجود می‌آید؛ اما چه کسانی می‌رسند؟ باید کفش و کلاهش را آماده کنید؛ بیشتر از آن، باید همتش را آماده کنید و راه بیفتید. من در نسل جوان کشورمان، این استعداد را می‌بینم. من نمی‌خواهم گزافه بگویم، شعار هم نیست؛ هیچ کس از ما توقع نکرده که بیاییم این حرف‌ها را بزنیم؛ اینها واقعیت است. جوان ایرانی در استعدادهای گوناگون، یک ظرفیت سطح بالا را داراست.<sup>۳۳</sup>



1. Futures study
2. divination

۳. مانند قصیده معروف شاه نعمت الله ولی، عارف قرن نهم که در قصیده‌ای بلند برخی از وقایع آینده را پیش‌بینی نموده است. همچنین داستان‌های نوستر آداموس عالم قرن شانزدهم میلادی که وی نیز قضایایی از آینده بیان می‌کند.

۴. آینده‌پژوهی (Futures study) یا مطالعات آینده، گاهی مترادف با آینده‌اندیشی (foresight) نیز به کار می‌رود.

۵. از آنجا که آینده‌پژوهی با گمانه‌زنی چندین آینده همراه است، واژه آینده‌پژوهی به صورت جمع به کار می‌رود.  
Futures study

6. Zakaria, Alyati binti, *Futures studies in contemporary islamic and western thought*, p. 24

7. Providence.

8. Foresight.

9. Cohen, Joel E, *What the Future Holds*, p.8

۱۰. این ماجرا در قرآن کریم در سوره یوسف در آیات ۴۳ تا ۵۰ بیان شده است.

۱۱. از نبی گرامی اسلام موارد متعددی نقل شده است که در اینجا فقط به ماجرای گفت‌وگوی حضرت با عدی فرزند حاتم طایی اکتفا می‌شود. حضرت در نخستین ملاقات خود با عدی او را اکرام کرد و فرمود: تو به فقر و ضعف و بنیه مالی امروز مسلمانان نگاه می‌کنی و می‌بینی مسلمانان بر خلاف سایر ملل فقیرند؛ دیگر اینکه می‌بینی امروز انبوه دشمنان بر آنها احاطه کرده‌اند و حتی بر جان و مال خود ایمن نیستند؛ دیگر اینکه می‌بینی حکومت و قدرت در دست دیگران است. به خدا قسم طولی نخواهد کشید که آن قدر ثروت به دست مسلمانان برسد که فقیری در میان آنها پیدا نشود. به خدا قسم آن‌چنان دشمنانشان سرکوب شوند و آن‌چنان امنیت کامل برقرار گردد که یک زن بتواند از عراق تا حجاز به تنهایی سفر کند و کسی مزاحم وی نگردد. به خدا قسم نزدیک است زمانی که کاخ‌های سفید بابل در اختیار مسلمانان قرار می‌گیرد.

عدی سال‌ها بعد از پیغمبر اکرم زنده بود. او سخنان پیغمبر را که در نخستین برخورد به او فرموده بود و پیش‌بینی‌های ایشان را همیشه به یاد داشت و می‌گفت: «به خدا قسم نمرود و دیدم که کاخ‌های سفید بابل به دست مسلمانان فتح شد. امنیت چنان برقرار شد که یک زن به تنهایی می‌تواند از عراق تا حجاز سفر کند بدون آنکه مزاحمتی ببیند. به خدا قسم اطمینان دارم که زمانی خواهد رسید که فقیری در میان مسلمانان پیدا نشود» (به نقل از سیره ابن هشام، ج ۲، وقایع سال دهم هجرت، ص ۵۷۸-۵۸۰) و نیز مانند پیش‌بینی رسول اکرم نسبت به رشد اسلام در بین نسل سلمان فارسی.

۱۲ ماجرای بیان شده در سوره کهف آیات ۶۶ تا ۸۲ که همراهی حضرت موسی علیه السلام را با حضرت خضر بیان می‌کند. ۱۳ حضرت در جنگ صفین هنگامی که سستی را در اصحاب خود ملاحظه فرمود آنها را ملامت نمود و گفت که در مسیر حق باید استوار بود و شکست در برابر معاویه را که در مسیر باطل بود پیش‌بینی کرد. و فرمود: «و انی والله لاظن ان هولاء القوم سیدالون منکم» (نهج البلاغه، خطبه ۲۵)

۱۴ مرتضی مطهری، نقدی بر مارکسیسم، ص ۲۵۵.

15 Cohen, Ibid, p. 8

16. David Hicks, *Lessons for the Future*, p. 27.

17. John Bryson, Strategic planning for public and nonprofit organizations.

18. Wendell Bell, "Futuring: the exploration of the future" *The futurist*, p. 56.

19. Soojung-kim pang, alex, "futures 2.0: rethinking the discipline". *foresight*, V.12, N.1, 2010, p5.  
 20. Ruth, Kelly, Futures thinking to achieve sustainable development at local level in Ireland. s.l.: Foresight : the Journal of Futures Studies, p.83.  
 21. Critical futures studies.  
 22. Hideg, eva, "theory and practice in the field of foresight", *Foresight*, V.9, N6, 2007, p. 36.  
 23. Ibid, p. 38.

۲۴. ماهنامه الکترونیکی انجمن آینده‌نگری ایران، ش ۳، ص ۹.  
 ۲۵ منشور روحانیت [www.imam-khomeini](http://www.imam-khomeini).

26. Hideg, Ibid, p. 48.  
 27. Strategic planning  
 28. Futures study  
 29. Joel E Cohen, What the Future Holds, p. 9.  
 30. [www.jfs.tku.edu.yw](http://www.jfs.tku.edu.yw)  
 31. Bell, Wendell, The futurist, p. 56.  
 32. Ruth, Ibid, p. 5.  
 33. [www.leader.ir](http://www.leader.ir)

## منابع

- ماهنامه الکترونیکی انجمن آینده‌نگری ایران، اردیبهشت ۱۳۸۹، تهران، s.n.,  
 خبرنامه الکترونیکی کشف آینده، s.l.: شماره اول، ۱۳۸۷.  
 ابن‌هشام، عبدالملک بن هشام، *سیره الرسول* (سیره ابن هشام)، ج ۲، دارالهلال، بیروت، ۱۹۹۷.  
 مرتضی، مطهری، *نقدی بر مارکسیسم*، قم، صدرا، ۱۳۷۸.  
 ناظمی، امیر، *آینده نگاری از مفهوم تا اجراء*، تهران، مرکز صنایع نوین وزارت صنایع و معادن، ۱۳۸۵.  
 Bryson, John, Strategic planning for public and nonprofit organizations. United States of America: Jossey-Bass, 2004.  
 Cohen, Joel E. 2001. What the Future Holds. U.S.A.: Library of Congress Cataloging-in-Publication Data, 2001.  
 Hicks, David. *Lessons for the Future*, London : the Taylor & Francis Group, 2003.  
 Hideg, eva. *Theory and practice in the field of foresight*. s.l. : foresight, V.9, N.6, 2007.  
[www.imam-khomeini](http://www.imam-khomeini)  
[www.jfs.tku.edu.yw](http://www.jfs.tku.edu.yw)  
[www.leader.ir](http://www.leader.ir)  
 Ruth, Kelly, "Futures thinking to achieve sustainable development at local level in Ireland. s.l.: Foresight : the Journal of Futures Studies", *Strategic Thinking and Policy* 6,2, 2004.  
 Zakaria, Alyati binti &, *Futures studies in contemporary islamic and western thought*. s.l.: The University of Birmingham, 2010.